

## Question Bank for Semester-2 (Hons & Gen)

<b>SEMESTER -2 (HONORS)</b>		
<b>Course Code</b>	<b>Chapter Name</b>	<b>Suggested Questions</b>
CC-3	<b>Marzaban Nama</b> (داستان هنبوی و ضحاک)	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who has translated 'Dastan e Hanbavi o Zihak' into Persian?</li> <li>• What were used to appear on the shoulders of Zahak?</li> <li>• How many persons were selected from Hanbavi's family?</li> <li>• What was the name of the lady in the story of ضحاک و هنبوی?</li> <li>• Who was selected by Hanbavi?</li> <li>• What order did the king give?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Write the substance of the story 'Dastan e Hanbavi o Zihak'</li> </ul> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>(الف) زنی بود هنبوی نام، روزی قرعه قضای بد پسر و شوهر و برادر او آمد. هر سه را بازداشتند تا آن بیدار معهود بر ایشان برانند. زن به درگاه ضحاک رفت، خاک تظلم بر سر کنان، نوحه درد آمیز در گرفته که رسم هر روز از خانه ای مردی بود، امروز بر خانه من سه مرد متوجه چگونه آمد. آواز فریاد او در ایوان ضحاک افتاد. بشنید و از آن حال پرسید.</p> <p>(ب) زنی جوانم شوهری دیگر توانم کرد، و تواند بود که از او فرزندی آید که آتش فراق را لختی به آب وصال او بنشانم، زهر دفات این را به تریاک بقای او مداومت کنم؛ لیکن ممکن نیست که مرا از آن مادر و پدر که گذشتند برادری دیگر آید تا این مهر بر او افکنم. ناکام و ناچار طمع از شوهر بر گرفت و دست برادر برداشت و از زندان به در آورد. این حکایت به سمع ضحاک رسید فرمود که فرزند و شوهر را نیز به هنبوی بخشید.</p>
CC-3	<b>Baharistan</b> (بهارستان) Story No.- 1, 2, 3 &5	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• What is the subject matter of <i>Baharistan</i>?</li> <li>• Who is the author of <i>Baharistan</i>?</li> <li>• Give the full name of Jaami.</li> <li>• Who were the main characters in the story of 1, 2, 3 &amp; 5?</li> <li>• Where did روباه enter with گرگ?</li> <li>• What did روباه and گرگ see in the garden?</li> <li>• Why گرگ could not come out from the garden?</li> <li>• Who helped کتردم?</li> <li>• What did کتردم reply to سنگ پشت?</li> <li>• What did سنگ reply?</li> <li>• Where did اشتر and دراز گوش reach?</li> <li>• Why did اشتر asked دراز گوش to come?</li> <li>• What did دراز گوش reply?</li> </ul>

**Subjective Types:**

- Sketch the life and works of Moulana Jaami.
- Elaborate Moulana Jami as an Ethical Story Writer.

**Translate into English:**

(الف) روباهی با گرگی دم مصادقت می زد و قدم موافقت می نهاد. بایکدیگر به باغی بگذشتند. در استوار بود و دیوارها پر خار. گرد آن بگردیدند تا به سوراخی رسیدند بر روباه فرخ و بر گرگ تنگ. روباه آسان درآمد و گرگ به زحمت فراوان. انگورهای گوناگون دیدند و میوه های رنگا رنگ یافتند. روباه زیرک بود، حال بیرون رفتن را ملاحظه کرد و گرگ غافل، چندانکه توانست بخورد.

(ب) کژدمی زهر مضرت در نیش و تیر هلاکت در کیش، عزیمت سفر کرد. ناگاه بر لب آبی رسید، خشک فرماند. نه پای رفتن نه راه بازگشتن. سنگ پشت این معنی را از وی مشاهده کرد. بروی ترحم نموده بر پشت خود سوار کرده خود را در آب انداخت و شناکان روی بجانب دیگر نهاد. در آن اثنا آوازی بگوشش رسید که کژدم بر پشت وی چیزی می زند. پرسید که این چه آواز است. جواب داد که این آواز نیش من است بر پشت تو.

(ج) سگی را گفتند: سبب چیست که در هر خانه ای که باشی گدا گرد آن نتواند گشت و بر سر هر آستانه ای که خسبی از آنجا نتواند گذشت؟ گفت: من از حرص و طمع دورم و به طمع و قناعت مشهور، از خوانی به لب نانی قانعم و از بریانی به خشک استخوانی خرسند.

(ح) اشتری و درازگوشی همراه می رفتند. به کنار جویی بزرگ رسیدند، اول شتر درآمد، چون در میان جوی رسید، آب تا شکم وی برآمد درازگوش را آواز داد که در آی، آب تا شکم بیش نیست. درازگوش گفت: راست می گویی، از شکم تو تا شکم من تفاوت، آبی که به شکم تو نزدیک گشت از پشت من نخواهد گذشت.

CC-3

**Kimiya e Sa'adat**  
(کیمیای سعادت)

**Objective Types:**

- What is کالبد ظاهر according to Imam Ghazali in *Kimiya e Sa'adat*?
- What is معنی باطنی according to Imam Ghazali in *Kimiya e Sa'adat*?
- Who is the author of *Kimiya e Sa'adat*.
- Who is called as *Hujjat ul Islam*?
- What is the subject matter of *Kimiya e Sa'adat*?
- What are the equivalents of *Dil* in *Kimiya e Sa'adat*?
- Who is the king of body according to Imam Ghazali in *Kimiya e Sa'adat*?

**Subjective Types:**

- Write in brief the life and works of Imam Ghazali.
- Define *Kimiya e Sa'adat* as a mystical work.

**Translate into English:**

(الف) اگر خواهی که خود را بشناسی، بدانکه ترا آفریده اند از دو چیز: یکی این کالبد ظاهر که آن را تن گویند که آن را پنجم ظاهر توان دید؛ و یکی معنی باطن که آن را نفس گویند، و دل گویند، جان گویند، و آن را به بصیرت باطن توان شناخت، و پنجم ظاهر نتوان دید و حقیقت تو آن معنی باطن است؛ و هر چه جز آنست، همه تیغ ویست.، و لشکر و خدمت گار ویست و ما آن را نام دل خواهیم نهاد.

		<p>(ب) بدین دل نہ آن گوشت پاره می خواهیم کہ در سینہ نھاده است، از جانب چپ، کہ آن را قدری نباشد کہ آن ستوران و مرده را نیز باشد، و آن را پنجم ظاہر بتوان دید، و ہر چہ آن را باین چشم توان دید، از این عالم باشد، کہ آن را عالم شہادت گویند.</p>																
CC-3	<p>حمد باری تعالی by Nizami Ganjavi</p>	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who is the poet of حمد باری تعالی?</li> <li>• Quote any couplet from حمد باری تعالی</li> <li>• Write the name of two <i>masnavis</i> of Nizami Ganjavi.</li> <li>• What is the meaning of حمد?</li> <li>• Whose name is مونس روانم?</li> <li>• Whose name is کلید ہر چہ بستند?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Write the summary of حمد باری تعالی</li> <li>• Illustrate Nizami Ganjavi as a 'Hamdia poet' in the context of حمد باری تعالی</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <table border="0" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 50%;">بی نام تو، نامہ کی کنم باز</td> <td style="width: 50%;">(الف) ای نام تو، بھترین سر آغاز</td> </tr> <tr> <td>جستن ز من و ہدایت از تو</td> <td>(ب) ای عقل مرا کفایت از</td> </tr> <tr> <td>با نور خود آشنائیم دہ</td> <td>(ج) از ظلمت خود رہائیم</td> </tr> </table> <p><b>Translate into English:</b></p> <table border="0" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 50%;">بی نام تو، نامہ کی کنم باز</td> <td style="width: 50%;">■ ای نام تو، بھترین سر آغاز</td> </tr> <tr> <td>جز نام تو، نیست بر زبانم</td> <td>■ ای یاد تو، مونس روانم</td> </tr> <tr> <td>نام تو، کلید ہر چہ بستند</td> <td>■ ای کارگشای ہر چہ ہستند</td> </tr> <tr> <td>مقصود دل نیاز مندان</td> <td>■ ای مقصد ہمت بلندان</td> </tr> <tr> <td>سلطان تویی، آن دگر کد امند؟</td> <td>■ صاحب تویی، آن دگر غلامند</td> </tr> </table>	بی نام تو، نامہ کی کنم باز	(الف) ای نام تو، بھترین سر آغاز	جستن ز من و ہدایت از تو	(ب) ای عقل مرا کفایت از	با نور خود آشنائیم دہ	(ج) از ظلمت خود رہائیم	بی نام تو، نامہ کی کنم باز	■ ای نام تو، بھترین سر آغاز	جز نام تو، نیست بر زبانم	■ ای یاد تو، مونس روانم	نام تو، کلید ہر چہ بستند	■ ای کارگشای ہر چہ ہستند	مقصود دل نیاز مندان	■ ای مقصد ہمت بلندان	سلطان تویی، آن دگر کد امند؟	■ صاحب تویی، آن دگر غلامند
بی نام تو، نامہ کی کنم باز	(الف) ای نام تو، بھترین سر آغاز																	
جستن ز من و ہدایت از تو	(ب) ای عقل مرا کفایت از																	
با نور خود آشنائیم دہ	(ج) از ظلمت خود رہائیم																	
بی نام تو، نامہ کی کنم باز	■ ای نام تو، بھترین سر آغاز																	
جز نام تو، نیست بر زبانم	■ ای یاد تو، مونس روانم																	
نام تو، کلید ہر چہ بستند	■ ای کارگشای ہر چہ ہستند																	
مقصود دل نیاز مندان	■ ای مقصد ہمت بلندان																	
سلطان تویی، آن دگر کد امند؟	■ صاحب تویی، آن دگر غلامند																	
CC-3	<p>نعت مصطفیٰ By Maulana Jami</p>	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who is the poet of نعت مصطفیٰ?</li> <li>• Quote any couplet from نعت مصطفیٰ</li> <li>• What is the meaning of نعت?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Give the summary of نعت مصطفیٰ.</li> <li>• Illustrate Maulana Jaami as a 'Naatia poet' in the context of نعت مصطفیٰ .</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <table border="0" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 50%;">آنکہ عالم یافت از نورش صفا</td> <td style="width: 50%;">(الف) بعد ازین گویم نعت مصطفیٰ</td> </tr> <tr> <td>آخر آمد بود، فخر الاولین</td> <td>(ب) سید الکوین ختم المرسلین</td> </tr> <tr> <td>انبیاء، و اولیاء، محتاج او</td> <td>(ج) آنکہ آمد نہ فلک معراج او</td> </tr> </table> <p><b>Translate into English:</b></p> <table border="0" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 50%;">آنکہ عالم یافت از نورش صفا</td> <td style="width: 50%;">■ بعد ازین گویم نعت مصطفیٰ</td> </tr> <tr> <td>آخر آمد بود، فخر الاولین</td> <td>■ سید الکوین ختم المرسلین</td> </tr> </table>	آنکہ عالم یافت از نورش صفا	(الف) بعد ازین گویم نعت مصطفیٰ	آخر آمد بود، فخر الاولین	(ب) سید الکوین ختم المرسلین	انبیاء، و اولیاء، محتاج او	(ج) آنکہ آمد نہ فلک معراج او	آنکہ عالم یافت از نورش صفا	■ بعد ازین گویم نعت مصطفیٰ	آخر آمد بود، فخر الاولین	■ سید الکوین ختم المرسلین						
آنکہ عالم یافت از نورش صفا	(الف) بعد ازین گویم نعت مصطفیٰ																	
آخر آمد بود، فخر الاولین	(ب) سید الکوین ختم المرسلین																	
انبیاء، و اولیاء، محتاج او	(ج) آنکہ آمد نہ فلک معراج او																	
آنکہ عالم یافت از نورش صفا	■ بعد ازین گویم نعت مصطفیٰ																	
آخر آمد بود، فخر الاولین	■ سید الکوین ختم المرسلین																	

		<p>▪ آنکہ آمد نہ فلک معراج او          انبیاء و اولیاء، محتاج او          شد وجودش رحمۃ اللعالمین          مسجد او شد ہمہ روی زمین          صد ہزاران رحمت جان آفرین          بر وی و بر آل پاک طاہرین</p>
CC-3	Ghazal of Hafiz No.-1, 2 & 8	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who was Hafiz Shirazi?</li> <li>• What is <i>Mosallah</i> in Ghazal of Hafiz?</li> <li>• Where was Hafiz buried?</li> <li>• Quote any couplet from <i>Diwan e Hafiz</i>.</li> <li>• Who is called <i>Lisanul Ghaeb</i>?</li> <li>• Write the name of two poets of Mongol Period.</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Discuss Hafiz as a 'pioneer of Ghazal'.</li> <li>• Write life and works of Hafiz.</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <p>(الف) مرادر منزل جانان چه امن و عیش چون ہر دم          جرس فریاد میدارد کہ بر بندید محملھا</p> <p>(ب) بچی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید          کہ سالک بی خبر نبود ز راہ و رسم منزلھا</p> <p>(پ) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل          کجا دانند حال ما سبکباران ساحلھا</p> <p>(ت) اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را          بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را</p> <p>(ث) بدہ ساقی می باقی کہ در جنت نخواھی یافت          کنار آب رکناباد و گلگشت مصلرا</p> <p>(ج) بدم گفتی و خرسندم، عفاک اللہ نکو گفتی          جواب تلخ میزید لب لعل شکر خارا</p> <p>(چ) شکر شکن شوند ہمہ طوطیان ہند          زین قند پارسی کہ بہ بنگالہ می رود</p> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>(الف)</p> <p>▪ آلا یا ایّھا السّاقی ادر کاساً و ناو لھا          کہ عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلھا</p> <p>▪ بیوی نافہ کاخر صبا زان طرہ بکشاید          ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلھا</p> <p>▪ مرادر منزل جانان چه امن و عیش چون ہر دم          جرس فریاد میدارد کہ بر بندید محملھا</p> <p>▪ بچی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید          کہ سالک بی خبر نبود ز راہ و رسم منزلھا</p> <p>▪ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل          کجا دانند حال ما سبکباران ساحلھا</p> <p>(ب)</p> <p>▪ اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را          بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را</p> <p>▪ بدہ ساقی می باقی کہ در جنت نخواھی یافت          کنار آب رکناباد و گلگشت مصلرا</p> <p>▪ فغان کاین لولیان شوخ و شیرین کار شہر آشوب          چنان بردند صبر از دل کہ ترکان خوان یغمارا</p> <p>▪ ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنیست          بآب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبارا</p> <p>▪ من از آن حسن روز افزون کہ یوسف داشت دانستم          کہ عشق از پردہ عصمت برون آرد ز یغارا</p> <p>(ج)</p> <p>▪ ساقی حدیث سرو و گل و لالہ می رود          و این بحث باشلاہ غسالہ می رود</p> <p>▪ می دہ کہ نوعروس چمن حد حسن یافت          کار این زمان ز صنعت دتالہ می رود</p>

		<p>شکر شکن شوند همه طوطیان هند</p> <p>طی مکان بسین و زمان در سلوک شعر</p> <p>آن چشم جادوانه عابد فریب بین</p> <p>زین قند پارسی که به بنگاله می رود</p> <p>کاین طفل یکشبه ره یکساله می رود</p> <p>کش کاروان سحر زدنباله می رود</p>
CC-3	Ghazal of Saadi No.-1 & 2	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who was Saadi Shirazi?</li> <li>• Where was Saadi buried?</li> <li>• Quote any couplet from <i>Ghazalyat e Saadi</i>.</li> <li>• Write the name of two poets of Mongol Period.</li> <li>• Write two famous works of Saadi Shirazi.</li> <li>• How many years did Saadi travel?</li> <li>• What is the theme of <i>Gulistan</i>?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Discuss Saadi as a 'Master of Ghazal'.</li> <li>• Write life and works of Saadi.</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <p>(الف) آن راکه جای نیست، همه شهر جای اوست در ویش هر کجا که شب آید، سرای اوست</p> <p>(ب) بی خانمان که هیچ ندارد بجز خدای او را گدا مگوی که سلطان گدای اوست</p> <p>(پ) مرد خدا به مشرق و مغرب غریب نیست هر جا که میرود، همه ملک خدای اوست</p> <p>(ت) مرد اگر شیر در کند آرد چون کندش گرفت، مسکین است</p> <p>(ث) گر هزارم جواب تلخ دهی اعتقاد من آنکه شیرین است</p> <p>(ج) سعدیا، تن به نیستی در ده چاره با سخت بازوان این است</p> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>(الف)</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• آن راکه جای نیست، همه شهر جای اوست</li> <li>• بی خانمان که هیچ ندارد بجز خدای</li> <li>• مرد خدا به مشرق و مغرب غریب نیست</li> <li>• آن کز تو انگری و بزرگی و خواجگی</li> <li>• کوتاه همتان همه راحت طلب کنند</li> </ul> <p>(ب)</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• با همه مهر و با منش کین است</li> <li>• شاید، ای نفس، تا دگر نه کنی</li> <li>• نهند پای تان به بیند جای</li> <li>• مثل زیرکان و چنبر عشق</li> <li>• درد مند فراق سر نهند</li> </ul> <p>چه کنم، حظ بخت من این است</p> <p>نیچه با ساعدی که سیمین است</p> <p>هر کرا چشم مصلحت بین است</p> <p>طفل نادان و مار رنگین است</p> <p>مگر آن شب که گور بالین است</p>
CC-3	Qata'at e Ibn e Yamin No.- 1, 3 & 5	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• For which genre of poetry Ibn e Yamin is famous?</li> <li>• Quote any couplet from <i>Qata'at e Ibn e Yamin</i>.</li> <li>• What is the subject matter of <i>Qata'at e Ibn e Yamin</i>.</li> </ul>

		<p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Discuss Ibn e Yamin as a 'Qata writer'.</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <p>(الف) خردمند خامش بود چون صدف اگر خود در و نش پراز گوهر ست  (ب) ممکن هرگز ستم بر زیر دستان که ایشان چون تو حق را بندگانند  (ج) حیات دایم از داد و دهش جوی که نوشیروان و حاتم زندگانند</p> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>گلبن باغ دولتش بشکفت هر که در کار خویش مشوره کرد  در جهان بادو شخص بایدد گفت هر مہمی کہ باشد از بد و نیکی  ہمچو الماس دُر تواند سفت اولاً آن کہ او بحق گوی  بی تو بیرون نیادرد ز نھفت ثانیاً با کسی کہ صورت صدق</p>
CC-3	Grammar	<p><b>Words Meaning:</b></p> <p>▪ روباه، گرگ، موش، چشم، دل، دیدن، گوهر، روح، طمع، سوراخ، باغبان، حیات، دبیرستان، بازار، مرد خدا، مشرق، مغرب، غریب، ساقی، شکر، درگاه، فرزند، فرخ، تنگ، میوه، زیرک، سزدم، سنگ پشت، سنگ، گدا، استخوان، اشتر، دراز گوش، جوی، شتر، کالبد، بصیرت، چپ، شہادت، روان، مونس، کلید، جرس، محمل، سچادہ، گرداب، خال، لعل، طولی، قند، ساقی، تلخ، بخت، ساعد، سیمین، طفل، مار، گور، بالین، خردمند، صدف، گوهر، الماس، دُر.</p> <p><b>Identify the tenses:</b></p> <p>تو کجای روی؟ من بہ بازاری رفتم . او نامہ نوشتہ است . آنہا بہ دبیرستان رفتہ باشند . شمانہ خوردہ بودند .  آقای رئیس احمد درس می داد . آقایان انور سراج و شاہ عالم بہ دبیرستان رفتند . آقای جاوید اقبال کتاب می خواند . برو آنجا . بخور آب .</p> <p><b>Correct the sentences:</b></p> <p>ما کجای روی؟ من بہ خانہ می رفت . او کتاب نوشتہ اند . رحیم بہ دبیرستان رفتہ باشند . شماسیب زمینی خوردہ بود . من درس می دادند . آنہا بہ دبیرستان رفت . تو نامہ می نویسم .</p> <p><b>Write the Aorist (مضارع):</b></p> <p>شدن، رفتن، کردن، خندیدن، آشامیدن، آرامیدن، نوشتن، رسیدن، گفتن، آمدن، سوختن</p>
CC-4	کرم کتابی و محاوہ بین خدا و انسان از - علامہ اقبال	<p><b>Objective Types:</b></p> <p>▪ علامہ اقبال کی و کجابه دنیا آمده بود؟  ▪ آثار فارسی اقبال را بنویسید.  ▪ 'اسرار خودی' شاہکار کیست؟  ▪ شاعر 'کرم کتابی' کیست؟  ▪ 'محاوہ بین خدا و انسان' چه معنی دادر؟  ▪ شاعر در نظم 'کرم کتاب' کجا بود؟  ▪ سینا کی بود؟</p>

- فاریابی کی بود؟
- چه چیز زندگی را بال و پر می دهد؟
- زندگی را چه چیز زنده تر می کند؟
- خدا جهان را از چه چیز آفریده است؟
- خدا پولاد ناب از چه چیز آفرید؟
- انسان از پولاد ناب چه ساخت؟
- انسان برای شب چه آفرید؟
- انسان از سنگ چه ساخت؟
- انسان از زهر چه ساخت؟
- شنیدم شی در کتب خانه من : به پروانه می گفت کرم کتابی ' این بیت بالا کی نوشته است؟

**Subjective Types:**

- Discuss Allama Iqbal as a 'Nazm writer'.
- Write life and works of Allama Iqbal.
- Write the summary of *محوره بین خدا و انسان*
- Write the summary of *کرم کتابی*

**Explain the following couplets with reference:**

- |                               |                                  |
|-------------------------------|----------------------------------|
| تو ایران و تاتار و زنگ آفریدی | (الف) جهان را زیک آب و گل آفریدم |
| تفس ساختی طایر نغمه زن را     | (ب) تیر آفریدی نخل چمن را        |
| من آنم که از زهر نوشینه سازم  | (پ) من آنم که از سنگ آئینه سازم  |
| به پروانه می گفت کرم کتابی    | (ت) شنیدم شی در کتب خانه من      |
| همان تیره روزم ز بی آفتابی    | (ث) تفصیده ام حکمت زندگی را      |
| تپش می دهد بال و پر زندگی را  | (ج) تپش می کند زنده تر زندگی را  |

**Translate into English:**

- (الف)
- شنیدم شی در کتب خانه من
  - باوراق سینا نشین گرفتم
  - تفصیده ام حکمت زندگی را
  - نگو گفت پروانه نیم سوزی
  - تپش می کند زنده تر زندگی را

(ب)

- جهان را زیک آب و گل آفریدم
- من از خاک پولاد ناب آفریدم

- تو ایران و تاتار و زنگ آفریدی
- تو شمشیر و تیر و تفنگ آفریدی

		<p>تبر آفریدی نخال چمن را توشب آفریدی چراغ آفریدم بیابان و کھسار و راغ آفریدی من آنم کہ از سنگ آئینہ سازم</p> <p>قفس ساختی طایر نغمہ زن را سفال آفریدی ایغ آفریدم خیابان و گلزار و باغ آفریدم من آنم کہ از زھر نوشینہ سازم</p>
CC-4	چشمہ و سنگ از۔ ملک الشعرا بہار	<p><b>Objective Types:</b></p> <p>چشمہ و سنگ کی نوشتہ است؟ در شعر ' چشمہ و سنگ ' چشمہ از کجا ہد شدہ بود؟ آثار ملک الشعرا بہار بنویسید۔ ملک الشعرا بہار کی و کجا بہ دنیا آمدہ بود؟ ' چشمہ و سنگ ' بہ انگلیسی چہ معنی دارد؟ چشمہ از سنگ چہ می خواست؟ از یاس چہ چیز بہ بار آید؟ چہ چیز دشواری را سھل می کند؟ ' جد اشد کی چشمہ از کھسار : بہ رہ گشت ناگہ بہ سنگی دچار' بیت بالا از کجا گرفتہ شدہ است؟</p> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Illustrate the life and works of Malik ush Shoara Bahar.</li> <li>• Give the summary of چشمہ و سنگ</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <p>(الف) جد اشد کی چشمہ از کھسار (ب) ز کوشش بہ ہر چیز خواہی رسید (ج) گرت پایداری است در کارها</p> <p>بہ رہ گشت ناگہ بہ سنگی دچار بہ ہر چیز خواہی کماہی رسید شود سھل پیش تو دشوارها</p> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>جد اشد کی چشمہ از کھسار بہ نرمی چنین گفت با سنگ سخت گران سنگ تیرہ دل سخت سر نجیدم از سیل زور آزما نشد چشمہ، از پانخ سنگ، سرد</p> <p>بہ رہ گشت ناگہ بہ سنگی دچار کرم کردہ راہی دہ ای نیکبخت زدش سیلی و گفت " دورای پسر کہ ای تو کہ پیش تو جنم ز جای" بہ کندن در استاد و ابرام کرد</p>
CC-4	روباہ و زاغ از۔ حبیب یغمانی	<p><b>Objective Types:</b></p> <p>'روباہ و زاغ' کی نوشتہ است؟ در شعر 'روباہ و زاغ' زاغ چہ چیز دیدہ بود؟ حبیب یغمانی کیست؟ زاغ کجا در راہ نشست؟ کی زاغ را فریب داد؟</p>



- از دهن زراغ چه افتاده بود؟
- زراغی قالب پیری دید : بہ دهن بر گرفت وزود پرید
- بیت بالا از کدام شعر گرفته شده است؟

**Subjective Types:**

- Sketch the life and works of Habib Yaghmani.
- Write the summary of روباہ وزراغ

**Explain the following couplets with reference:**

- (الف) زراغی قالب پیری دید  
 بہ دهن بر گرفت وزود پرید
- (ب) بر درختی نشست در راهی  
 کہ از آن می گذشت روباہی
- (ج) طعمہ افتاد چون دہان بگشود  
 روباہک جست و طعمہ را ربود

**Translate into English:**

- زراغی قالب پیری دید
- بہ دهن بر گرفت وزود پرید
- بر درختی نشست در راهی
- کہ از آن می گذشت روباہی
- روباہ پر فریب و حیلت
- ساز رفت پای درخت و کرد آواز
- گفت: بہ بہ چه قدر زیبایی!
- چه سری، چه دمی، عجب پایی!
- پروبالت سیاہ رنگ و قشنگ
- نیست بالاتر از سیاہی رنگ

CC-4

اشک یتیم  
 از- پروین اعتصامی

**Objective Types:**

- اشک یتیم کی سرودہ است؟
- پروین اعتصامی کہ بود؟
- پروین اعتصامی کی و کجا بہ دنیا آمدہ بود؟
- آثار پروین اعتصامی بنویسید.
- در شعر 'اشک یتیم' کودک یتیم در بارہ کدام چیزی پرسد؟
- 'اشک یتیم' بہ انگلیسی چه معنی دارد؟
- 'این اشک دیدہ من و خون دل شاست' کی گفته است؟
- پروین اعتصامی کی فوت کرد؟

**Subjective Types:**

- Discuss Parween Ehtsami as a 'Modern Poetess'.
- Give the summary of اشک یتیم

**Explain the following couplets with reference:**

- روز کی گذشت پادشاہی از گذرگی  
 فریاد شوق بر سر ہر کوی و بام خاست
- پر سید زان میانہ کی کودک یتیم  
 کاین تابناک چیست کہ بر تاج پادشاہت
- نزدیک رفت پیر زنی، کوٹ پشت و گفت  
 این اشک دیدہ من و خون دل شاست

**Translate into English:**

- روز کی گذشت پادشاہی از گذرگی
- فریاد شوق بر سر ہر کوی و بام خاست
- پر سید زان میانہ کی کودک یتیم
- کاین تابناک چیست کہ بر تاج پادشاہت

		<p>آن یک جواب داد: چه دانیم ما که چیست</p> <p>پیداست آنقدر که متاعی کرا نبهاست</p> <p>نزدیک رفت پیر زنی، کوثر پشت و گفت</p> <p>این اشک دیده من و خون دل شهاست</p> <p>ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است</p> <p>این گرگ سالهاست که باگله آشناست</p>
--	--	---

## SEMESTER -2 (GENERAL)

Course Code	Chapter Name	Suggested Questions
CC-2/ GE-2	<i>Marzaban Nama</i> (داستان هنبوی و ضحاک)	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who has translated ‘<i>Dastan e Hanbavi o Zihak</i>’ into Persian?</li> <li>• What were used to appear on the shoulders of Zahak?</li> <li>• How many persons were selected from Hanbavi’s family?</li> <li>• What was the name of the lady in the story of ضحاک و هنبوی?</li> <li>• Who was selected by Hanbavi?</li> <li>• What order did the king give?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Write the substance of the story ‘<i>Dastan e Hanbavi o Zihak</i>’</li> </ul> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>(الف) زنی بود هنبوی نام، روزی قرعه قضای بد پسر و شوهر و برادر او آمد. هر سه را بازداشتند تا آن بیداد معهود بر ایشان برانند. زن به درگاه ضحاک رفت، خاک تعظیم بر سر کنان، نوحه درد آمیز در گرفته که رسم هر روز از خانه ای مردی بود، امروز بر خانه من سه مرد متوجه چگونگی آمد. آواز فریاد او در ایوان ضحاک افتاد. بشنید و از آن حال پرسید.</p> <p>(ب) زنی جوانم شوهری دیگر توأم کرد، و تواند بود که از او فرزندی آید که آتش فراق را لختی به آب وصال او بنشام، زهر دفات این را به تریاک بقای او مداومت کنم؛ لیکن ممکن نیست که مرا از آن مادر و پدر که گذشتند برادری دیگر آید تا این مهر بر او افکنم. ناکام و ناچار طمع از شوهر بر گرفت و دست برادر برداشت و از زندان به در آورد. این حکایت به سمع ضحاک رسید فرمود که فرزند و شوهر را نیز به هنبوی بخشید.</p>
CC-2/ GE-2	<i>Gulistan</i> Story No.-1, 3, 4, & 5 By- Saadi Shirazi	<p><b>Objective types</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who was Saadi Shirazi?</li> <li>• Where was Saadi buried?</li> <li>• Who has written the <i>Gulistan</i>?</li> <li>• What is the subject matter of <i>Gulistan</i>?</li> <li>• Write the name of two poets of Mongol Period.</li> <li>• How much money did the merchant lose in his business?</li> <li>• Who was considered جوانمرد by Hatim Tai?</li> <li>• What is دولت پابنده according to Saadi?</li> <li>• What is a real میراث پدر according to Saadi?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Discuss Saadi as an ‘<i>Ethical Writer</i>’.</li> <li>• Write life and works of Saadi.</li> <li>• Justify the <i>Gulistan</i> as an Ethical work.</li> </ul>

		<p><b>Translate into English:</b></p> <p>(الف) حاتم طائی را گفتند از تو بزرگ هست تر در جهان دیده ای یا شنیده؟ گفت بلی. روزی چهل شتر قربان کرده بودم امرای عرب را. پس بگوشه صحرائی بروم رفته بودم. خار کنی را دیدم پشتت فراهم آورده.</p> <p>(ب) بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد. پسر را گفت: نباید که این سخن را با کسی در میان نمی. گفت: ای پدر! فرمان تراست، نگویم و لیکن خواهیم که مرابره فایده این مطلع گردانی که مصلحت در نماند داشتن چیست؟ گفت: تا مصیبت دو نشود: یکی نقصان مایه و دیگر شتات همسایه.</p> <p>(ج) حکیمی پسران را پند همی داد که جان پدر! هنر آموزید که ملک و دولت دنیا، اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر بر محل خطر است؛ یا دزد به یکبار ببرد یا خواجه بتقاریق بخورد، اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده.</p>
<p>CC-2/ GE-2</p>	<p><b>Baharistan</b> (بهارستان) Story No.- 1, 2, 3 &amp;5 By- Maulana Jaami</p>	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• What is the subject matter of <i>Baharistan</i>?</li> <li>• Who is the author of <i>Baharistan</i>?</li> <li>• Give the full name of Jaami.</li> <li>• Who were the main characters in the story of 1, 2, 3 &amp; 5?</li> <li>• Where did <b>روباہ</b> enter with <b>گرگ</b>?</li> <li>• What did <b>روباہ</b> and <b>گرگ</b> see in the garden?</li> <li>• Why <b>گرگ</b> could not come out from the garden?</li> <li>• Who helped <b>کتردم</b>?</li> <li>• What did <b>کتردم</b> reply to <b>سنگ پشت</b>?</li> <li>• What did <b>سگ</b> reply?</li> <li>• Where did <b>اشتر</b> and <b>دراز گوش</b> reach?</li> <li>• Why did <b>اشتر</b> asked <b>دراز گوش</b> to come?</li> <li>• What did <b>دراز گوش</b> reply?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Sketch the life and works of Moulana Jaami.</li> <li>• Elaborate Moulana Jami as an Ethical Story Writer.</li> </ul> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>(الف) روباهمی با گرگی دم مصادقت می زد و قدم موافقت می نهاد. با یکدیگر به باغی بگذشتند. در استوار بود و دیوارها پر خار. گرد آن بگردیدند تا به سوراخی رسیدند بر روباه فرخ و بر گرگ تنگ. روباه آسان درآمد و گرگ به زحمت فراوان. انگورهای گوناگون دیدند و میوه های رنگ رنگ یافتند. روباه زیرک بود، حال بیرون رفتن را ملاحظه کرد و گرگ غافل، چند آنکه توانست بخورد.</p> <p>(ب) کتردمی زهر مضرت در نیش و تیر هلاکت در کیش، عزیمت سفر کرد. ناگاه بر لب آبی رسید، خشک فروماند. نه پای رفتن نه راه بازگشتن. سنگ پشت این معنی را از وی مشاهده کرد. بروی ترخم نموده بر پشت</p>

		<p>خود سوار کرده خود را در آب انداخت و شناکنان روی بجانب دیگر نهاد. در آن اثنا آوازی بگوشش رسید که کتردم بر پشت وی چیزی می زند. پرسید که این چه آواز است. جواب داد که این آواز نیش من است بر پشت تو.</p> <p>(ج) سگی را گفتند: سبب چیست که در هر خانه ای که باشی گدا گرد آن نتواند گشت و بر سر هر آستانه ای که خسی از آنجا نتواند گذشت؟ گفت: من از حرص و طمع دورم و به طمعی و قناعت مشهور، از خوانی به لب نانی قانم و از بریانی به خشک استخوانی خرسند.</p> <p>(ح) اشتزی و درازگوشی همراه می رفتند. به کنار جویی بزرگ رسیدند، اول شتر در آمد، چون در میان جوی رسید، آب تا شکم وی بر آمد دراز گوش را آواز داد که در آی، آب تا شکم بیش نیست. دراز گوش گفت: راست می گویی، از شکم تو تا شکم من تفاوت است، آبی که به شکم تو نزدیک گشت از پشت من بخواهد گذشت.</p>
<p>CC-2/ GE-2</p>	<p><b><i>Kimiya e Saadat</i></b> (کیمیای سعادت) By- Imam Ghazali</p>	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• What is کالبد ظاهر according to Imam Ghazali in <i>Kimiya e Sa'adat</i>?</li> <li>• What is معنی باطنی according to Imam Ghazali in <i>Kimiya e Sa'adat</i>?</li> <li>• Who is the author of <i>Kimiya e Sa'adat</i>.</li> <li>• Who is called as <i>Hujjat ul Islam</i>?</li> <li>• What is the subject matter of <i>Kimiya e Sa'adat</i>?</li> <li>• What are the equivalents of <i>Dil</i> in <i>Kimiya e Sa'adat</i>?</li> <li>• Who is the king of body according to Imam Ghazali in <i>Kimiya e Sa'adat</i>?</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Write in brief the life and works of Imam Ghazali.</li> <li>• Define <i>Kimiya e Sa'adat</i> as a mystical work.</li> </ul> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>(الف) اگر خواهی که خود را بشناسی، بدانکه ترا آفریده اند از دو چیز: یکی این کالبد ظاهر که آن را تن گویند که آن را پنجم ظاهر توان دید؛ و یکی معنی باطن که آن را نفس گویند، و دل گویند، جان گویند، و آن را به بصیرت باطن توان شناخت، و پنجم ظاهر نتوان دید و حقیقت تو آن معنی باطن است؛ و هر چه جز آنست، همه تبع ویست، و لشکر و خدمت گار ویست و ما آن را نام دل خواهیم نهاد.</p> <p>(ب) بدین دل نه آن گوشت پاره می خواهیم که در سینه نهاده است، از جانب چپ، که آن را قدری نباشد که آن ستوران و مرده را نیز باشد، و آن را پنجم ظاهر بتوان دید، و هر چه آن را باین چشم توان دید، از این عالم باشد، که آن را عالم شهادت گویند.</p>
<p>CC-2/ GE-2</p>	<p>حکایت مرد بقال و طوطی By- Maulana Rumi</p>	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Write the spiritual guide of Maulana Rumi?</li> <li>• How many volumes do carry the <i>masnavi</i> of Rumi?</li> <li>• When and where was Maulana Rumi born?</li> <li>• What was the quality of the Parrot?</li> <li>• Who were the characters in حکایت مرد بقال و طوطی?</li> <li>• What was fallen by the Parrot?</li> <li>• Quote any couplet from حکایت مرد بقال و طوطی</li> </ul>

		<p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Write the summary of حکایت مرد بقال و طوطی</li> <li>• Discuss Maulana Rumi as a 'Sufi poet.'</li> <li>• Narrate the life and works of Maulan Rumi.</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <p>خوش نوایی، سبز گویا، طوطی نکتہ گفتی باہمہ سودا گران گرچہ مانند در نبشتن شیر و شیر</p> <p>بود بقالی و وی را طوطی (الف) بر دکان بودی نگهبان دکان (ب) کار پاکیزا قیاس از خود بگیر (ج)</p> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>خوش نوایی، سبز گویا، طوطی نکتہ گفتی باہمہ سودا گران در نوای طوطیان، حاذق ہدی شیشہای روغن گل را برینخت بر دکان بنشست فارغ خواجہ وش</p> <p>▪ بود بقالی و وی را طوطی ▪ بر دکان بودی نگهبان دکان ▪ در خطاب آدمی، ناطق ہدی ▪ جست از سوی دکان سوی گریخت ▪ از سوی خانہ بیآمد خواجہ اش</p>
<p>CC-2/ GE-2</p>	<p>حمد باری تعالی by Nizami Ganjavi</p>	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who is the poet of حمد باری تعالی?</li> <li>• Quote any couplet from حمد باری تعالی</li> <li>• Write the name of two <i>masnavis</i> of Nizami Ganjavi.</li> <li>• What is the meaning of حمد?</li> <li>• Whose name is مونس روانم?</li> <li>• Whose name is کلید ہر چہ بستند</li> </ul> <p><b>Subjective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Write the summary of حمد باری تعالی</li> <li>• Illustrate Nizami Ganjavi as a 'Hamdia poet' in the context of حمد باری تعالی</li> </ul> <p><b>Explain the following couplets with reference:</b></p> <p>بی نام تو، نامہ کی کنم باز جستن ز من و ہدایت از تو با نور خود آشنائیم دە</p> <p>ای نام تو، بہترین سر آغاز (الف) ای عقل مرا کفایت از تو (ب) از ظلمت خود رہائیم دە (ج)</p> <p><b>Translate into English:</b></p> <p>بی نام تو، نامہ کی کنم باز جز نام تو، نیست بر زبانم نام تو، کلید ہر چہ بستند مقصود دل نیاز مندان سلطان تویی، آن دگر کدامند؟</p> <p>▪ ای نام تو، بہترین سر آغاز ▪ ای یاد تو، مونس روانم ▪ ای کارگشای ہر چہ بستند ▪ ای مقصد ہمت بلندان ▪ صاحب تویی، آن دگر غلامند</p>
<p>CC-2/ GE-2</p>	<p>Ghazal of Hafiz No.-1 &amp; 2</p>	<p><b>Objective Types:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• Who was Hafiz Shirazi?</li> <li>• What is <i>Mosallah</i> in Ghazal of Hafiz?</li> <li>• Where was Hafiz buried?</li> <li>• Quote any couplet from <i>Diwan e Hafiz</i>.</li> <li>• Who is called <i>Lisanul Ghaeb</i>?</li> <li>• Write the name of two poets of Mongol Period.</li> </ul>

**Subjective Types:**

- Discuss Hafiz as a 'pioneer of Ghazal'.
- Write life and works of Hafiz.

**Explain the following couplets with reference:**

- (الف) مرادر منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها  
(ب) بمی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها  
(پ) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا داند حال ما سبکباران ساحلها  
(ت) اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را  
(ث) بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت کنار آب رکناباد و گلگشت مصلرا را  
(ج) بدم گفستی و خرسندم، عفاک اللہ نگو گفستی جواب تلخ میزید لب لعل شکر خارا

**Translate into English:**

- (الف)  
■ اَلَا يَا اَيُّهَا السَّاقِي اُدِرْ كَاسًا وَاوَالِهَا  
■ بوی نافه کاخر صبازان طره بجشاید  
■ مرادر منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم  
■ بمی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید  
■ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل  
(ب)  
■ اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را  
■ بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت  
■ فغان کاین لولیان شوخ و شیرین کار شهر آشوب  
■ ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنیت  
■ من از آن حسن روز افزون که یوسف داشت دانستم  
■ که عشق آسان نمود اولی افتاد مشکلها  
■ ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها  
■ جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها  
■ که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها  
■ کجا داند حال ما سبکباران ساحلها  
■ بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را  
■ کنار آب رکناباد و گلگشت مصلرا را  
■ چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغمارا  
■ بآب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبارا  
■ که عشق از پرده عصمت برون آرد ز یخارا

CC-2/  
GE-2

Grammar

**Words Meaning:**

روباہ، گرگ، موش، چشم، سوراخ، باغبان، حیات، دبیرستان، بازار، مرد خدا، مشرق، مغرب، غریب، ساقی، شکر، درگاه، فرزند، فرخ، تنگ، میوه، زیرک، کژدم، سنگ پشت، سگ، گدا، استخوان، شتر، دراز گوش، جوی، شتر، کالبد، بصیرت، چپ، شهادت، روان، مونس، کلید، جرس، محمل، سجاده، گرداب، خال، لعل، طوطی، قند، ساقی، تلخ، بخت، نبشتن، بقال، بازگان، حساسیہ، هنر، سیم، زر، پابندہ.

**Identify the tenses:**

تو کجای روی؟ من به بازاری رفتم. او نامه نوشته است. آنها به دبیرستان رفته باشند. شما نپه خورده بودند. آقای رئیس احمد درس می داد. آقایان انور سراج و شاه عالم به دبیرستان رفتند. آقای جاوید اقبال کتاب می خواند. برو آنجا. مخور آب.

**Correct the sentences:**

ما کجای روی؟ من به خانه می رفت . او کتاب نوشته اند. رحیم به دبیرستان رفته باشند. شهابیب زمینی خورده بود. من درس می دادند. آنها به دبیرستان رفت. تو نامه می نویسم.

**Write the Aorist (مضارع):**

شدن، رفتن، کردن، خندیدن، آشامیدن، آرامیدن، نوشتن، رسیدن، گفتن، آمدن، سوختن